

**مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی
در دهه اخیر در ایران^۱
(فقر، عامل خطر خیابانی شدن کودکان)**

مروئه وامقی*، حمیرا سجادی**، حسن رفیعی***، آرش رشیدیان****

طرح مسأله: این پژوهش با جمع‌آوری مطالعات درباره کودکان خیابانی در تهران، جمع‌بندی یافته‌های مرتبط با فقر را ارائه می‌دهد.
روش: مطالعه از نوع مطالعات ثانویه و با روش مرور نظام‌مند انجام شده و یافته‌ها مورد متاآنالیز (فرا تحلیل) قرار گرفته‌اند.
یافته‌ها: شماری از یافته‌های مطالعه شامل سطح بالای اشتغال کودکان، بعد بالای خانوار، شیوع بالای بیکاری، مشاغل کم‌درآمد پدران، درآمد پایین خانواده، سطح پایین سواد والدین و ارتباط اکثریت کودکان با خانواده، مؤید ارتباط فقر و شرایط اقتصادی خانواده با ورود کودکان به خیابان است.
نتایج: به نظر می‌رسد فقر اقتصادی در ایران خطر مهمی برای خیابانی شدن کودکان است.

کلید واژه‌ها: ایران، عامل خطر، فقر، کودک خیابانی، مرور نظام‌مند

تاریخ پذیرش: ۱۹/۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۹/۲/۱۳

۱. این مقاله بخشی از نتایج پژوهشی تحت عنوان «مرور مطالعات مرتبط با تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت بر اساس مدل سازمان بهداشت جهانی، در ایران (۱۳۸۸)» است که با حمایت مالی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اجرا شده است.

* روانپزشک، عضو گروه پژوهشی رفاه اجتماعی و مرکز تحقیقات تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <m_vameghi@yahoo.com>

** متخصص پزشکی اجتماعی، عضو هیأت علمی گروه آموزشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** روانپزشک، عضو هیأت علمی گروه آموزشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

**** دکتری مدیریت و سیاستگذاری سلامت، عضو هیأت علمی گروه علوم مدیریت و اقتصاد بهداشت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران و معاون پژوهشی مرکز تحقیقات بهره‌برداری از دانش سلامت

مقدمه

تغییر و تحولات اجتماعی ایران در سه دهه اخیر همراه با افزایش آگاهی‌های عمومی و گسترش اطلاع‌رسانی، زمینه‌ساز تحقیقات و بررسی‌هایی درباره مسائل مختلف اجتماعی شده است. از جمله مشکلات اجتماعی که مورد توجه فعالان اجتماعی و مدنی در سال‌های اخیر بوده، مسائل مربوط به کودکان، از جمله کودکان کار و خیابانی، بوده است.

مسئله کودکان خیابانی فقط به ایران یا کشورهای در حال توسعه محدود نمی‌شود بلکه مسأله‌ای جهانی است، به‌گونه‌ای که صندوق کودکان سازمان ملل در ۲۰۰۵ اعلام کرد «هرچند تخمین تعداد دقیق کودکان خیابانی غیرممکن است، مطمئناً می‌توان گفت که این تعداد به ده‌ها میلیون کودک در سراسر جهان بالغ می‌شود و احتمالاً تعداد آن‌ها در حال افزایش است» (UNICEF, 2005: 40-41). در ایران نیز آمار دقیقی از کودکان خیابانی در دست نیست که از جمله مهم‌ترین دلایل این موضوع می‌توان به زندگی پنهان، جابه‌جایی و متغیر بودن تعداد آنان در زمان‌های گوناگون اشاره کرد (به نقل از شاوردی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). اما در سال‌های آغازین مواجهه با مسئله کودکان خیابانی بر اساس آمارهای غیررسمی، تخمین زده شد که فقط در تهران ۲۰/۰۰۰ کودک خیابانی با سرپرست یا بدون سرپرست زندگی می‌کنند (همان). هرچند هنوز نیز آمار رسمی‌ای مبنی بر تعداد کودکان خیابانی در ایران وجود ندارد، مسئله کودکان خیابانی یک دهه پس از ظهور آن منشأ مباحثات و مطالعات فراوانی به منظور شناخت این کودکان و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر ورود آن‌ها به خیابان و پیامدهای آن بوده است. سابقه تأمل و مطالعه در مسئله کار کودکان در ایران به بیش از سه دهه پیش بازمی‌گردد، اما توجه به کودکان خیابانی کمی دیرتر و در دهه شصت آغاز شد. در اواسط دهه هفتاد توجه جامعه ایران به طور جدی به کودکانی که در خیابان‌های تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور به دستفروشی مشغول بودند، جلب شد و در پی آن کار مطالعات مرتبط با کودکان خیابانی با تهیه گزارش‌های مطبوعاتی، مصاحبه‌ها و تدوین طرح‌های حمایتی سیر صعودی داشت.

مروری بر مطالب منتشر شده در روزنامه‌ها و مجلات غیر علمی پژوهشی کشور در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، انتشار حداقل ۱۰۰ مصاحبه، گزارش و مقاله را در مورد کودکان خیابانی نشان می‌دهد (بانک اطلاعات نمایه، سال‌های مختلف). همچنین بر اساس یافته‌های این مطالعه در یک دهه اخیر پژوهش‌های متعددی نیز در سازمان‌ها و مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی با موضوع کودکان خیابانی انجام شده است. نتایج حاصل از برخی مطالعات اولیه در خصوص وضع کودکان خیابانی در تهران و شهرهای دیگر نشان داد که کودکان خیابانی شامل دختران و پسرانی از گروه‌های سنی مختلف هستند که غالباً مهاجر و به خانواده‌هایی پرجمعیت و کم‌درآمد تعلق دارند و شمار زیادی از آن‌ها به دستفروشی و کار در خیابان‌های پر تردد شهرهای بزرگ مشغول‌اند (صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران، ۱۳۷۷؛ جانقلی، ۱۳۸۳).

به‌منظور رفع و کاهش آسیب‌های اجتماعی از جمله مشکل کودکان خیابانی و تأمین نیازهای جامعه بر مبنای یافته‌های علمی و استفاده مناسب و بهینه از امکانات - چنان‌که در برنامه چهارم توسعه کشور در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر آن تأکید شده است - بررسی وضعیت پژوهش‌های موجود در زمینه مشکلات اجتماعی و استفاده از نتایج آن‌ها در برنامه‌ریزی، همچنین شناخت نقاط ضعف و قوت مطالعاتی که تاکنون کمتر بدان‌ها توجه شده، ضروری است. شناخت کودکان خیابانی از طریق پژوهش‌هایی که به وضع زیست این کودکان و علل ورود آن‌ها به خیابان می‌پردازد، راهگشای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای پیشگیری هرچه سریع‌تر از وارد شدن آسیب‌ها به کودکان و حمایت از آن خواهد بود. مرور اولیه مطالعات کودکان خیابانی موجب آشکارگی تنوع نسبی اطلاعات مربوط به کودکان خیابانی، که متأثر از عوامل مختلف از جمله وجود زیر گروه‌های مختلف کودکان خیابانی و تنوع روش‌شناختی مطالعات بود، شد. از آن‌جا که تاکنون مطالعه نظام‌مندی درباره کودکان خیابانی در ایران انجام نشده است، مطالعه حاضر بر آن است تا با جمع‌آوری و طبقه‌بندی شواهد تحقیقی در مورد کودکان خیابانی و بر اساس شواهد علمی به جمع‌بندی علل ورود کودکان به خیابان‌ها دست یابد و با مستند ساختن آن، در

کاربردی کردن این نتایج بکوشد. این مقاله با هدف پاسخ به دو سؤال دربارهٔ مسألهٔ کودکان خیابانی نوشته شده است:

۱) علل شیوع عوامل خطرزای اقتصادی، فردی، خانوادگی و محیطی مرتبط با خیابانی شدن کودکان در ایران چیست؟

۲) ارتباط یا میزان اثر عوامل خطرزای اقتصادی، فردی، خانوادگی و محیطی بر خیابانی شدن کودکان چگونه است؟

۱) مفاهیم

۱-۱) کودکان خیابانی

معضلهٔ کودکان خیابانی مانند بسیاری دیگر از معضله‌های اجتماعی حاوی برخی اختلاف‌نظرها در مفاهیم و سبب‌شناسی پدیده‌هاست. بر اساس تعریف صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، در سال ۱۹۹۷، «کودکان خیابانی» به کودکانی اطلاق می‌شود که در شهرهای بزرگ برای ادامهٔ بقای خود مجبور به کار یا زندگی هستند (یونیسف، ۱۹۹۷؛ به نقل از وامقی، ۱۳۸۵). اما در تعریف و مشخصات کودکان خیابانی تفاوت‌های زیادی هم در کشورهای مختلف جهان و هم در یک کشور دیده می‌شود و به همین دلیل تفاوت‌های آماری چشمگیری در تعیین تعداد کودکان خیابانی وجود دارد. برای مثال آپتکار معتقد است تعریف دقیقی از کودکان خیابانی وجود ندارد و نمی‌توان فرض کرد که همهٔ کودکانی که در خیابان به سر می‌برند بی‌خانمان هستند، بلکه ۷۵ تا ۹۰ درصد کودکانی که در خیابان‌های کشورهای مختلف در حال توسعه، مشغول به کارند، در خانه زندگی می‌کنند و برای به‌دست آوردن پولی برای خانواده در خیابان کار می‌کنند (Aptekar, 1994). وی در بیان علت تفاوت در تخمین‌های شمار کودکان خیابانی می‌گوید «سال‌هاست یونیسف شمار کودکان خیابانی امریکای لاتین را از ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر برآورد کرده است. این آمار به این معناست که بیش از ۴۵ درصد کودکان امریکای لاتین خیابانی هستند. شمار کودکان خیابانی

کلمبیا نیز از ۲۵ هزار تا ۱۳۰ هزار نفر برآورد شده است... این تفاوت‌ها ناشی از حذف کودکان کار از برخی برآوردها است» (Aptekar, 1994). به عبارت دیگر، در برخی گمانه‌زنی‌ها کودکانی که در خیابان‌ها کار می‌کنند اما دارای خانواده هستند و با خانواده خود زندگی می‌کنند جزو شمار کودکان خیابانی در نظر گرفته می‌شوند و در برخی خیر. همچنین مشخصات کودکان خیابانی از جمله سن، جنسیت و روش کار و زندگی آن‌ها که تحت تأثیر خصوصیات اقتصادی - اجتماعی جوامعی است که در آن زندگی می‌کنند، متفاوت و بر تعریف از کودکان خیابانی تأثیرگذار است. در هندوستان گروهی از کودکان خیابانی دیده می‌شوند که با خانواده‌های خود در خیابان کار و زندگی می‌کنند و ساکنان پیاده‌رو خوانده می‌شوند (Patel, 1983). در کشورهای در حال توسعه کودکان کوچک‌تر به دلیل ظاهر کودکان و احساس ترحمی که در مردم ایجاد می‌کنند بیشتر از بزرگ‌ترها به کار خیابانی می‌پردازند در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، اجباری بودن تحصیل و ممنوعیت کار کودکان، مانعی بر سر راه کودکان برای کار در خیابان است (Aptekar, 1994). گاه توجه تفاوت‌ها براساس خصوصیات اجتماعی نیز دشوار است، چنان‌چه در کنیا برخی از کودکان خیابانی از پدران و مادرانی به دنیا آمده‌اند که خود کودک خیابانی بوده‌اند (Clarck, 1982). در حالی که در اتیوپی و در همسایگی کنیا تقریباً تمام کودکان خیابانی پس از کار به خانه‌های خود بازمی‌گردند و در سودان، در همسایگی هر دو کشور، تا شروع درگیری‌های قومی، کودک خیابانی وجود نداشت (Aptekar, 2000). در تلاش برای شناخت و مطالعه کودکان خیابانی، صاحب‌نظران این حوزه طبقه‌بندی‌های مختلفی از کودکان ارائه داده‌اند. یکی از پذیرفته شده‌ترین تعاریف و طبقه‌بندی‌ها از کودکان خیابانی تعریفی است که یونیسف از کودکان خیابانی ارائه داده و آن‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم کرده است (یونیسف، ۲۰۰۳؛ به نقل از شاوردی، ۱۳۸۳):

الف) کودکان خیابانی یا «در خیابان»^۱

این گروه که اکثر کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند، کودکان شاغل در خیابان‌اند که غالباً از خانواده‌های کم‌درآمد و پرجمعیت هستند و علت حضور آن‌ها در خیابان، کسب درآمد است. در مقایسه با گروه دوم این کودکان با خانواده‌هایشان ارتباط دارند و احساس تعلق به آن‌ها نشان می‌دهند، اما میزان این ارتباط متفاوت و ممکن است روزانه یا چند بار در سال باشد. برخی از این کودکان به مدرسه می‌روند و هرچند ممکن است در خیابان‌ها درگیر مشکلاتی مانند مصرف مواد مخدر و رفتارهای خلاف قانون شوند، به‌طور کلی در مقایسه با گروه دوم رفتارهای مجرمانه محدودی دارند.

ب) کودکان «خیابان»^۲

هرچند کودکان «خیابان» گروه کوچک‌تری از کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند، مشکلات‌شان در مقایسه با گروه اول بسیار پیچیده‌تر است. برای این گروه از کودکان، خیابان به منزله خانه است، آن‌ها در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آن‌ها حکم خانواده را پیدا کرده‌اند. این کودکان با مدرسه بیگانه‌اند، برخی از آن‌ها غیرقانونی زندگی می‌کنند و ممکن است در اوضاع و احوال ناامن قربانی آزارهای جسمی و جنسی شوند. بسیاری از کودکان این گروه مورد سوءاستفاده گروه‌های غیرقانونی و تبهکار قرار گرفته از آن‌ها در قاچاق و توزیع مواد مخدر، دزدی و سایر فعالیت‌های خلاف قانون مانند پورنوگرافی و تجارت جنسی کودکان استفاده می‌شود. به‌رغم مفید بودن طبقه‌بندی فوق، همپوشانی‌هایی در تعاریف دو گروه وجود دارد. از جمله ممکن است برخی از کودکان گروه اول عمل غیرقانونی انجام دهند یا با خانواده قطع ارتباط کنند و به گروه دوم بپیوندند.

1. Children "on" The Street
2. Children "of" The Street

۲-۱) فقر

در دیدگاه سنتی فقر عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۰۱؛ به نقل از صادقی و مسائلی، ۱۳۸۷). اما امروزه مفهوم فقر به انواع دیگری از محرومیت‌ها نیز گسترش یافته است. چنان‌که بانک جهانی در گزارش سالانه خود (۲۰۰۰ الی ۲۰۰۱) مفهوم فقر را به گونه‌ای بسط داده که محرومیت مادی، محرومیت از آموزش و پرورش و در معرض خطر بودن، بی‌پناهی و بی‌نوایی را نیز در برمی‌گیرد (Siaenes & Wodon, 2001؛ به نقل از صادقی و مسائلی، ۱۳۸۷).

رایج‌ترین دیدگاه‌ها در تبیین عوامل تشکیل‌دهنده و گسترش‌دهنده فقر عبارت‌اند از: الف) فقر درآمدی که عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود. در این دیدگاه نبود غذای کافی، مسکن، تحصیلات و بهداشت از جمله نیازهای اساسی است که فقرا را از داشتن زندگی مطلوب محروم می‌سازد (هادی زنوز، ۱۳۸۴؛ به نقل از شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷).

ب) فقر قابلیتی که به مثابه محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌شود. در این دیدگاه، فقر به معنای نداشتن درآمد نیست بلکه هر فرد دارای درآمد که نتواند در فعالیت‌های آزاد سیاسی شرکت کند، یا فرد آموزش دیده‌ای که از دسترسی به منابع اقتصادی که قابلیت‌های وی را به کارکرد تبدیل می‌کند، محروم است فقیر محسوب می‌شود (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴؛ به نقل از شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷).

ج) فقر مبتنی بر طرد اجتماعی که بر اساس رویکردهای مختلف، نقش محوری را از آن پیوستگی و همبستگی و مسئولیت اجتماعی دانسته و بنا بر آن، طرد اجتماعی را نه تنها نشان‌دهنده رفتار هر فرد بلکه گویای رفتار دولت‌ها در تأمین همبستگی اجتماعی می‌داند (غفاری و تاج‌الدینی، ۱۳۸۴؛ به نقل از شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۴).

۳-۱) فقر و خیابانی‌شدن کودکان

از دیگر بخش‌های مورد بحث در مطالعات کودکان خیابانی، بررسی علل خیابانی‌شدن کودکان بوده است. بسیاری کودکان خیابانی را محصول فقر دانسته و برخی نیز به جد، خانواده معیوب را در خیابانی‌شدن کودکان مسئول می‌دانند. در تأیید کامل یا نسبی نظر نخست، مطالعات فراوانی وجود دارد. مطالعه بیش از هزار کودک خیابانی زامبیا در سازمان‌های غیردولتی این کشور با حمایت یونیسف نشان داده است که پدران بیش از ۹۰ درصد این کودکان بیکار هستند و زندگی کودکان در خیابان‌ها بیش از آن‌که ناشی از وضع نامناسب خانواده آن‌ها باشد، ارتباط بسیار قوی با فقر دارد (Lemba, 2002). لاسک نیز که به مطالعه کودکان خیابانی در کشورهای مختلف امریکای لاتین مانند برزیل، کلمبیا، اکوادور و پرو پرداخته است، می‌گوید طی مصاحبه‌هایش با صدها کودک خیابانی امریکای لاتین، بارها کودکان این جمله را تکرار کرده‌اند که آن‌ها برای کار کردن و پول‌درآوردن در خیابان هستند؛ چرا که خانواده‌شان پول کافی ندارد (Lusk, 1992). به این ترتیب، وی نقش خانواده‌آزارگر در خیابانی‌شدن کودکان را رد می‌کند. با این حال، این وضعیت در همه مطالعات تأیید نمی‌شود.

پاتل (1990) پس از مصاحبه با هزار کودک خیابانی در بمبئی، ادعا می‌کند که علت اصلی وجود کودکان در خیابان فقر نیست بلکه خشونت در خانواده است. مطالعه دیگری نیز در هندوستان درباره کودکان خیابانی که در خیابان‌ها کار می‌کنند اما از حمایت خانواده بی‌بهره هستند، نشان داد که هرچند فقر یک نمود مهم مسئله کودکان خیابانی است، مسئله اصلی، نزاع‌های خانوادگی است (Subrahmanyam & Sondhi, 1990).

در ارزیابی وضع کودکان خیابانی در قاهره و اسکندریه (World Food Program, et al., 2001)، عوامل منجر به خیابانی‌شدن کودکان در دو گروه طبقه‌بندی شده است: نخست عللی که به طور غیر مستقیم به هموارشدن مسیر خیابانی‌شدن کودکان کمک می‌کنند - اما مستقیماً باعث ورود کودکان به خیابان نمی‌شوند. گروه دوم علل مستقیم و بی‌واسطه‌ای هستند که منجر به ورود کودکان به خیابان می‌شوند و معمولاً کودکان آن‌ها

را عامل اصلی خیابانی‌شدن خود ذکر می‌کنند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، درآمد پایین و سطح محدود تحصیلات در خانواده یکی از علل غیرمستقیم خیابانی‌شدن کودکان است. به گونه‌ای که ۹۸ درصد نمونه‌های مطالعه، متعلق به خانواده‌های کم‌درآمد و ۶۶ درصد کودکان از خانواده‌های دارای تحصیلات پایین هستند. ازهم‌گسیختگی خانواده، خروج کودک از چرخه تحصیل، بعد خانواده، مهاجرت‌های برنامه‌ریزی نشده و کاهش نقش خانواده در حل مشکلات کودکان، به خصوص در مناطق شهری، سایر علل غیرمستقیمی هستند که باعث خروج کودکان از خانه می‌شوند. در میان علل مستقیم نیز به نقش دوستان به‌عنوان مهم‌ترین عامل خروج کودکان از خانه و شروع زندگی خیابانی اشاره شده است (همان).

یونیسف در خصوص نقش فقر در خیابانی‌شدن کودکان این پرسش را مطرح می‌کند: «در ۱۹۸۰ بیش از ۳۶۹ میلیون کودک فقیر زیر ۱۵ سال در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کردند که قسمت اعظم این کودکان خیابانی نبودند. چرا برخی از کودکان از خانه بیرون می‌روند در حالی که خواهران و برادران آن‌ها که وضع مشابهی از نظر فقر و احتمالاً آزردهی در خانواده دارند در خانه می‌مانند؟» (Unicef, 1990). در این خصوص آبتکار بر این باور است که در تلاش برای درک این‌که چرا کودکان خیابانی می‌شوند، همواره باید وضع روان‌شناختی کودکان و خانواده‌های آن‌ها، درک آنان از زندگی در خیابان و سطح فرهنگ کودک خیابانی را در نظر گرفت. به علاوه، او به عوامل خطرزای در برخی مطالعات اشاره می‌کند؛ از جمله به مطالعه روزا و همکاران (1992) وی در برزیل از سویی دلایل اقتصادی را مهم‌ترین علت حضور کودکان در خیابان می‌دانند و از سوی دیگر نشان داده‌اند که پدران کودکان خیابانی دو برابر بیش از پدران گروه شاهد کودکان فقیر، خانه را ترک کرده‌اند (Aptekar, 1994). به علاوه، وی اعتقاد دارد که تفاوت‌های فرهنگی نیز در این امر مؤثرند؛ به گونه‌ای که احتمال دارد در جوامع در حال توسعه، فقر به‌عنوان عامل ضروری برای ورود کودکان به خیابان و طرد از خانواده، علت ثانوی باشد، اما در جهان توسعه‌یافته، نقش این دو عامل، وارونه شود (همان). در مجموع باید گفت با وجود تفاوت

در نتایج ارزیابی‌های به‌عمل‌آمده از نقش عوامل مختلف در خیابانی‌شدن کودکان و چند عاملی بودن مسأله آنان، فقر همواره به عنوان یکی از علل مهم ورود کودکان به خیابان شناخته شده است. همچنین باید در نظر داشت که برخی عوامل مانند میزان برخورداری والدین از تحصیلات و مهارت‌های شغلی، بعد خانوار و عوامل محیطی چون مهاجرت‌های گسترده که به‌طور غیرمستقیم بر دسترسی به منابع مالی خانواده‌ها و کسب درآمد تأثیرگذار هستند، در خیابانی‌شدن کودکان نقش دارند.

در این مطالعه با در نظر داشتن تنوع در مفاهیم و مشخصات کودکان خیابانی در مطالعات مختلف ایرانی هر دو گروه کودکان خیابانی (کودک خیابان و در خیابان)، صرف‌نظر از بررسی علل خیابانی‌شدن آن‌ها به عنوان کودک خیابانی شناخته می‌شوند. همچنین فقر با مفهوم «فقر درآمدی» مد نظر بوده است.

۲) روش مطالعه

۲-۱) نوع مطالعه و روش جمع‌آوری داده‌ها

این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه بوده و روش اجرای آن مرور نظام‌مند یا سیستماتیک است. در بررسی‌های نظام‌مند، پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع خاص به‌طور مختصر و مفید در اختیار قرار می‌گیرد و برخلاف رویکرد سنتی، برای مرور مقالات، مانند پژوهش‌های اولیه از اصول و قواعد دقیق و سختگیرانه‌ای تبعیت می‌شود. رویکرد آن‌ها کاملاً نظام‌مند بوده و روش انجام‌دادن آن‌ها نیز به صورت از پیش طراحی شده در پروتکل مرور نظام‌مند مشخص شده است (رجب‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۵).

۲-۲) جست‌وجوی منابع

محل جست‌وجوی منابع در این مطالعه شهر تهران است و بانک‌های اطلاعاتی ایرانی (پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، بانک اطلاعات مقالات علوم پزشکی ایران - ایران مدکس - بانک اطلاعات مشکلات اجتماعی

دانشگاه علوم بهزیستی، IranPsych، بانک اطلاعات نشریات کشور (ماگیران)، بانک اطلاعات کودکان کار و خیابان و مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی نمایه) و بانک‌های اطلاعاتی بین‌المللی (Embase، ISI Web of Medline، و Index Medicus of EMRO) Science، نیز جست‌وجو شدند. به‌علاوه، به مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی (دانشگاه تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی تهران، مرکز تحقیقات سوء مصرف مواد - داریوش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مؤسسه پژوهش‌های تأمین اجتماعی و مرکز مطالعات اجتماعی ناجا)، سازمان‌های دولتی مرتبط (سازمان بهزیستی، وزارت کار، وزارت بهداشت، وزارت آموزش و پرورش، وزارت رفاه، شهرداری و شورای شهر تهران، وزارت کشور و سازمان زندان‌ها و امور تأمینی و تربیتی) و سازمان‌های غیردولتی (انجمن حمایت از کودکان کار، انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن حامیان کودکان کار و خیابان، کانون فرهنگی و حمایتی کودکان کار، انجمن یاری کودکان در معرض خطر، مؤسسه زنان و کودکان رهیاب، مؤسسه کیانا، شورای کتاب کودک و مؤسسه کودکان دنیا) نیز مراجعه شد. برای جمع‌آوری مطالعات، از ۱۸ کلیدواژه فارسی (کودک خیابانی، کودک خیابان، کودک کار، کارگر خردسال، کارگر کوچک، کودک کارگر، کار کودک، کودک کارتن خواب، کودک خیابان خواب، کودک قطارخواب، کودک سینماخواب، کودک اتوبوس‌خواب، کودک متکدی، پسر خیابانی، دختر خیابانی، بچه خیابان، بچه خیابانی، کودک فراری) و شش کلیدواژه انگلیسی (Street children, Street kids) (Working children, Child labor, Child labour, Homeless Youth) استفاده شد.

۲-۳) ارزیابی مطالعات

در جست‌وجوی اولیه بر اساس کلیدواژه‌ها، ۱۸۴۴ عنوان مطالعه جمع‌آوری شد. در این مرحله بر اساس معیارهای ورود و خروج مطالعات، عناوین بررسی شده پس از حذف

موارد تکراری و غیرمرتبط، ۲۴۲ مورد مطالعه شده انتخاب گردید. معیارهای ورود مطالعات عبارت بودند از کلیه انواع مطالعات کمی با موضوع کودکان خیابانی ساکن ایران و/ یا خانواده‌های آن‌ها که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶ انجام شده باشد. چکیده ۲۴۲ عنوان منتخب بر اساس معیارهای ورود و خروج، به همت دو نفر از اعضای گروه تحقیق جداگانه بررسی، و در صورت عدم توافق به نفر سوم ارجاع می‌شد. در نهایت ۶۱ سند مرتبط جمع‌آوری داده شد. در مرحله بعد ضمن بررسی متن کامل مطالعات، ۱۳ مطالعه دیگر به دلیل ترکیبی بودن جمعیت نمونه مطالعات که علاوه بر کودکان خیابانی، کودکان کار غیرخیابانی را نیز شامل می‌شد، حذف و به این ترتیب ۴۸ مطالعه مرتبط انتخاب شد. در آخرین مرحله به منظور ارزیابی کیفیت مطالعات، واری نامه^۱ (چک لیست) ارزیابی مطالعات از تلفیق سؤالات شماری از واری‌نامه‌های موجود برای انواع مطالعات کمی، شامل برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی^۱ و راهنمای ارزیابی مطالعات شیوع^۲ و سؤالاتی با توجه به نیازهای مطالعاتی تهیه شد و با استفاده از واری‌نامه به همت سه نفر از اعضای گروه تحقیق، ۴۸ مطالعه به لحاظ کیفیت مثبت ارزیابی شدند. از ۴۸ مطالعه یاد شده، ۲۹ مطالعه توصیفی و ۱۹ مطالعه توصیفی - تحلیلی ارزیابی شد. در ارزیابی کیفیت مطالعات، داده‌های توصیفی و تحلیلی و مطالعات تحلیلی جداگانه ارزیابی شدند تا در صورتی که مطالعه‌ای در ارزیابی بخش تحلیلی فاقد معیارهای کافی اما واجد کیفیت توصیفی مورد قبول بود، امکان استفاده از داده‌های توصیفی آن فراهم گردد. معیارهای مورد نظر در ارزیابی کیفیت داده‌های توصیفی مطالعات، شامل حجم نمونه، روش نمونه‌گیری و پایایی و روایی ابزار مطالعه بود. به این ترتیب که مطالعات دارای حجم نمونه کافی، با توجه به متغیرهای مورد بررسی، در مطالعه پذیرفته شده و در صورت کم بودن حجم نمونه، تصمیم گرفته شد که داده‌های آن - در صورت وجود مطالعات با روش و یافته‌های مشابه - با هم ادغام شده و در صورت

1. Critical Appraisal Skills Program, Making Sense of Evidence
2. Guideline for evaluating prevalence studies

نبود مطالعات مشابه از این داده‌ها استفاده نگردد.

در مورد روش نمونه‌گیری، برای مطالعاتی که محل دسترسی به آن‌ها کودکان خیابانی بود، با توجه به دشواری چارچوب نمونه‌گیری و انجام دادن نمونه‌گیری تصادفی، تصمیم گرفته شد مطالعاتی که نمونه‌گیری آن‌ها تصادفی یا در دسترس ذکر شده، پذیرفته شود. در مطالعاتی که محل دسترسی کودکان در آن‌ها مراکز باز بود، نمونه‌گیری به روش تمام شماری، تصادفی یا در دسترس مورد قبول قرار گرفت. در مورد مراکز بسته، نمونه‌گیری به روش تصادفی و تمام شماری پذیرفته شد اما نمونه‌گیری در دسترس در مراکز بسته مورد قبول قرار نگرفت. اگر چنانچه در نمونه‌گیری از سطح شهر و مراکز باز روش نمونه‌گیری در مطالعه بیان نشده بود، این نمونه‌گیری معادل نمونه‌گیری در دسترس تلقی و از داده‌ها شد، اما در مورد مراکز بسته، عدم ذکر مطالعات به معنی عدم پذیرش روش نمونه‌گیری در نظر گرفته شد.

در مواردی برای بررسی متغیرهای مورد بررسی از چک لیست یا واری‌نامه آنچه برای نوع متغیر استفاده از چک لیست مناسب بود از ابزار استفاده شد و در غیر این صورت، پایایی و روایی مناسب ابزار، معیار تأیید ابزار قرار گرفت. در صورتی که ابزار، ترجمه یک ابزار خارجی بود در صورت ارائه یا اطلاع از پایایی و روایی مناسب ابزار در خارج از ایران نیز ابزار پذیرفته شد. در صورتی که از سه معیار حجم نمونه، روش نمونه‌گیری و ابزار مطالعه دو مورد دارای معیارهای پذیرفتنی بود، داده‌های توصیفی پذیرفتنی تلقی شد. در ارزیابی مطالعه تحلیلی، شامل مطالعات مورد - شاهدی، مطالعات علی - مقایسه‌ای و مطالعات همبستگی از چک لیست‌های مربوط به ارزیابی هر یک از این مطالعات استفاده شد. معیارهای مورد نظر برای ارزیابی کیفیت مطالعات مورد - شاهدی عبارت بودند از:

تناسب نوع مطالعه با اهداف، ورود صحیح موردها به مطالعه، ورود صحیح شاهد‌ها به مطالعه، هدایت عوامل مخدوش‌گر، سوگیری در اندازه‌گیری، تناسب روش تحلیل با مطالعه و دقت مطالعه. برای مطالعات علی مقایسه‌ای، معیارهای بررسی کیفیت مطالعات عبارت‌اند

از: ورود صحیح دو گروه به مطالعه، هدایت عوامل مخدوش گر، سوگیری در اندازه گیری، تناسب روش تحلیل با مطالعه و دقت مطالعه. همچنین برای مطالعات همبستگی، معیارهای بررسی کیفیت مطالعات عبارت بودند از: تناسب نوع مطالعه با اهداف، حجم نمونه، روش نمونه گیری، هدایت عوامل مخدوش گر، سوگیری در اندازه گیری، تناسب روش تحلیل با مطالعه و دقت مطالعه.

۴-۲) طبقه بندی و تحلیل داده ها

به منظور طبقه بندی و تحلیل داده ها، یافته های مربوط به هر سؤال به تفکیک متغیرهای آن توصیف شد و سپس، داده ها فراتحلیل (متاآنالیز) شد. متاآنالیز فرایند آماری است که نتایج چندین مطالعه مستقل را که «قابل ترکیب» هستند، ادغام می کند. متاآنالیزی که خوب انجام شود در مقایسه با مرورهای روایتی قبلی، امکان ارزیابی عینی تری از شواهد موجود دارد... و ممکن است به توضیح تفاوت های میان نتایج مطالعات مستقل بینجامد (University of Sheffield, 2009). برای ارزیابی امکان فراتحلیل داده های مطالعات، با توجه به ناکافی بودن ارزیابی های آماری در شناسایی میزان همگونی^۱ یا ناهمگونی^۲ یافته ها (Khan et al, 2003)، وضعیت همگونی یافته ها به روش مشاهده ای ارزیابی شد. سپس حجم نمونه هر مطالعه، معادل وزن مطالعه تعیین شد و در صورت همگونی کافی یافته ها به منظور فراتحلیل، میانگین وزنی از داده های هر متغیر در مطالعات مختلف محاسبه گردید. در صورت وجود ناهمگونی بالا و با در نظر گرفتن احتمال منطقی توجیه ناهمگونی داده ها بر اساس زیر گروه ها، یافته ها در دو زیرگروه نیز طبقه بندی شد. به این منظور، دو زیر گروه بر مبنای محل دسترسی به جمعیت هدف مطالعات، شامل مطالعاتی که محل دسترسی آن ها به کودکان، سطح شهر و مراکز باز بوده است و مطالعاتی که در مراکز بسته به کودکان دسترسی یافته اند، در نظر گرفته شد. در صورت توجیه ناهمگونی بر اساس زیر گروه ها،

1. Homogeneity
2. Hetrogenity

یافته‌ها در زیرگروه‌ها فراتحلیل (متاآنالیز) صورت گرفت و در غیر این صورت به جمع‌بندی کیفی داده‌ها بسنده شد.

۳) یافته‌ها

بر اساس ارزیابی کیفیت مطالعات، ۴۰ مطالعه شامل ۲۱ مطالعه توصیفی مقطعی و ۱۹ مطالعه تحلیلی (شش مطالعه مورد شاهد، شش مطالعه علی - مقایسه‌ای و هفت مطالعه همبستگی) شناسایی و وارد مرور نظام‌مند شدند. بخش تحلیلی ۱۵ مطالعه به دلیل فقدان معیارهای کیفیت استفاده نشدند و فقط از بخش توصیفی آن‌ها استفاده شد و در مجموع، چهار مطالعه دارای داده‌های تحلیلی مرور شدند.

انتشار اسناد از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ شامل هشت مقاله، هشت گزارش طرح پژوهشی و ۲۴ پایان‌نامه مقطع کارشناسی (۱۳ مورد)، کارشناسی ارشد (هشت مورد) و MPH (یک مورد) و مقطع دو سند نامشخص بودند. به جز یک مورد مقاله به زبان انگلیسی، زبان کلیه اسناد، فارسی بود. ۲۷ مطالعه در تهران، دو مطالعه در مشهد، بقیه در استان‌های اصفهان، قم، کرمانشاه، اراک، اهواز، بندرعباس، ارومیه، گیلان و بندر ترکمن و گنبد کاووس انجام شده‌اند. دو مطالعه نیز در بیش از یک استان صورت گرفت.

مطالعات بر حسب محل دسترسی به کودکان در دو زیر گروه اصلی قرار گرفتند:

زیرگروه اول شامل ۱۵ مطالعه، نمونه‌های خود را از میان کودکان خیابانی در سطح شهر و مراکز باز سازمان‌های غیر دولتی^۱ در تهران و شهرستان‌ها انتخاب کرده بودند. در زیرگروه دوم، شامل ۱۸ مطالعه، نمونه‌ها از مراکز بسته^۲ کودکان خیابانی شامل مراکز سازمان بهزیستی و خانه سبز شهرداری و در یک مطالعه از سه مرکز خانه سبز، خانه

۱. مراد از مراکز باز آن دسته از مراکز کودکان خیابانی است که در آن‌ها ورود و خروج کودکان به مرکز در اختیار خود کودکان است و عمدتاً شامل مراکز سازمان‌های غیردولتی است.

۲. مراد از مراکز بسته آن دسته از مراکز کودکان خیابانی است که در آن‌ها ورود و خروج کودکان به مرکز به‌طور کامل با اجازه مسئولان مراکز بوده و عمدتاً شامل مراکز سازمان‌های دولتی است.

ریحانه و سرای احسان کهریزک انتخاب شده‌اند. در یک مطالعه، نمونه‌ها از بیش از یک مرکز انتخاب شده بودند و در شش مطالعه، محل دقیق دسترسی به کودکان مشخص نبود.

از ۴۰ مطالعه، ۳۲ مطالعه دارای داده‌های توصیفی مربوط به وضعیت اقتصادی بود. از آنجا که در مطالعات جمع‌آوری شده، مطالعه‌ای که عوامل خطرزای کلان مرتبط با خیابانی‌شدن کودکان مانند اوضاع اقتصادی کشور، سیاست‌های جمعیتی و عوامل فرهنگی را ارزیابی کند به دست نیامد، در این بخش پس از ارائه مشخصات کلی کودکان فقط آن دسته از متغیرهای فردی و خانوادگی که مستقیماً شاخصی از وضع اقتصادی کودکان خیابانی و خانواده‌های آنها بود (اشتغال و درآمد کودک و اشتغال و درآمد خانواده)، یا به شکل غیرمستقیم بر وضع اقتصادی خانواده تأثیرگذار است (تحصیلات والدین، بعد خانوار و مهاجرت کودک و خانواده) و بالقوه عامل خطر خیابانی‌شدن محسوب می‌گردند، توصیف می‌شود. همچنین داده‌های مربوط به وضعیت سرپرستی و ارتباط کودک با خانواده و نگرش خانواده به کار کودک به منظور درک بهتر ارتباط اشتغال کودکان و وضعیت اقتصادی خانواده ارائه می‌گردد. در جدول شماره ۱ فهرست مشخصات مطالعات نشان داده شده است.

جدول ۱: مشخصات عمومی مطالعات

ردیف	نام نویسنده یا سازمان	نوع مطالعه	مکان مطالعه	محل دسترسی به کودکان	حجم نمونه
۱	اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان خوزستان، ۱۳۷۸	مقطعی	اهواز	سطح شهر، کانون اصلاح و تربیت (بسته)	۱۰۴ کودک خیابانی
۲	وارثانیا، ۱۳۷۹	مقطعی	تهران	خانه سبز (بسته)	۳۴ کودک خیابانی
۳	صالح، ۱۳۷۹	علی - مقایسه‌ای	تهران	خانه سبز (بسته)	۳۰ کودک خیابانی و ۳۰ کودک غیر خیابانی
۴	کاشفی اسماعیل زاده، ۱۳۷۹	مقطعی	مشهد	زندان، کانون اصلاح و تربیت (بسته)، سطح شهر	۲۰۰ کودک خیابانی
۵	معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی، ۱۳۷۹	مقطعی	تهران	مراکز بهزیستی (بسته)	۳۹۸۳ کودک خیابانی
۶	سیدکریمی، ۱۳۷۹	مورد - شاهدهی	تهران	خانه سبز (بسته)	۱۰۰ کودک خیابانی و ۸۰ کودک غیر خیابانی
۷	نصرت نظامی، ۱۳۸۰	مقطعی	تهران	خانه سبز (بسته)	۵۰ کودک خیابانی
۸	زندای مهر، ۱۳۸۰	همبستگی	تهران	خانه سبز (بسته)	۱۰۰ کودک خیابانی
۹	جعفری، ۱۳۸۰	مقطعی	تهران	خانه سبز (بسته)	۶۹ کودک خیابانی
۱۰	بهزیستی استان تهران، ۱۳۸۰	مقطعی	تهران	نامشخص	۲۸۰ کودک خیابانی

ادامه جدول ۱

۱۱	احمدخانی‌ها، ۱۳۸۱	مقطعی	تهران	فرهنگسرای شهید هرنندی (بازر)	۸۷ کودک خیابانی
۱۲	مهتابزاده، ۱۳۸۱	همبستگی	مشهد	مرکز بهزیستی (بسته)	۲۱۷ پرونده (۲۲۵) پسر و ۲ دختر
۱۳	قاسم زاده، ۱۳۸۲	مقطعی	تهران	سطح شهر	۳۶۸ کودک خیابانی پسر و دختر
۱۴	فیضی، ۱۳۸۲	علی - مقایسه‌ای	گنبد کاووس و بندر ترکمن	سطح شهر	۲۵ کودک خیابانی دختر و ۲۵ دختر غیر خیابانی
۱۵	آرزومندی، ۱۳۸۲	مورد - شاهدی	تهران	خانه کودک شوش (بازر)	۵۰ کودک خیابانی و ۵۰ کودک غیر خیابانی
۱۶	معاونت امور اجتماعی بهزیستی استان مرکزی، ۱۳۸۲	مقطعی	اراک	نامشخص	۷۰ کودک خیابانی شامل ۶۳ پسر و ۷ دختر
۱۷	کاظمی، ۱۳۸۲	مقطعی	کرمانشاه	نامشخص	۶۰ کودک خیابانی پسر
۱۸	سلمانی، باروق، ۱۳۸۲	همبستگی	تهران	فرهنگسرای خواجوی کرمانی (بازر)	۱۴۰ کودک خیابانی دختر و پسر
۱۹	ابراهیمی، ۱۳۸۲	مقطعی	تهران	خانه سبز (بسته)، خانه ریحانه (بسته)، احسان سرای کهریزک (بسته)	۵۰ کودک خیابانی شامل ۱۰ دختر و ۴۰ پسر
۲۰	ساکي، ۱۳۸۲	همبستگی	تهران	سطح شهر	۵۰ کودک خیابانی شامل ۱۰ دختر و ۴۰ پسر
۲۱	مقصودی، ۱۳۸۲	علی - مقایسه‌ای	تهران	مراکز بهزیستی (بسته)	۶۳ کودک خیابانی پسر و ۵۰ پسر غیر خیابانی

ادامه جدول ۱

۲۲	معاونت امور اجتماعی بهریستی استان هرمزگان، ۱۳۸۲	مقطعی	بندرعباس	سطح شهر	۱۴۴ کودک خیابانی شامل ۱۲۶ پسر و ۱۸ دختر
۲۳	احمدی خونی، ۱۳۸۳	مورد - شاهدی	ارومیه	سطح شهر	۲۰۰ نفر شامل ۱۰۰ کودک خیابانی پسر و ۱۰۰ پسر غیر خیابانی
۲۴	جانقلی، ۱۳۸۳	مقطعی	تهران	خانه سبز	۴۱۳۳ کودک خیابانی پسر
۲۵	شریفی، ۱۳۸۳	علی - مقایسه‌ای	تهران	سطح شهر	۸۳ کودک خیابانی دختر و پسر
۲۶	بهریستی استان تهران، ۱۳۸۳	مقطعی	تهران	مرکز بهزیستی (بسته)	۱۶۰۱۲ نفر (پدیرش در استان تهران) و ۳۰۵۴ کودک خیابانی (پدیرش در سناد یاسر)
۲۷	احسانی کلخوران، ۱۳۸۳	مورد - شاهدی	تهران	سطح شهر	۸۰ کودک خیابانی و ۸۰ کودک غیر خیابانی
۲۸	هادیان، ۱۳۸۴	مقطعی	تهران و رودهن	سطح شهر، مرکز (نامشخص)	۵۰ کودک خیابانی
۲۹	زروراری، ۱۳۸۴	مقطعی	تهران	مرکز بهزیستی (بسته)	۳۰ کودک خیابانی پسر
۳۰	علوی نیا، ۱۳۸۴	همبستگی	تهران	سطح شهر	۶۵ کودک خیابانی شامل ۲۰ دختر و ۴۵ پسر
۳۱	گل‌پذیر سرخه، ۱۳۸۴	مورد - شاهدی	اصفهان	مرکز بهزیستی (مرکز بسته)	۱۴۸ کودک خیابانی پسر و ۱۴۸ پسر غیر خیابانی

ادامه جدول ۱

۱۰۲	کودک خیابانی شامل ۳۹ پسر و ۶۳ دختر	مرکز هفتگی شوش (باز)	تهران	تهران، مشهد، شیراز، اهواز، رشت	مقطعی	۲۰۰۶	وحدانی،	۳۲
۵۰۶	کودک خیابانی (تهران، ۲۰۰، مشهد، ۹۷، شیراز، ۷۰، اهواز، ۸۸، رشت ۴۱)	نامشخص			همبستگی	۱۳۸۴	حسن حسینی،	۳۳
۱۵	کودک خیابانی پسر و ۱۵ کودک غیر خیابانی	مرکز بهزیستی (بسته)	تهران		علی - مقایسه‌ای	۱۳۸۵	کارمانی فکور،	۳۴
۶۰	کودک خیابانی شامل ۴۶ پسر و ۱۴ دختر و ۵۰ کودک غیر خیابانی	خانه کودک شوش و خانه کودک ناصر خسرو (باز)	تهران		مورد - شاهدهی	۱۳۸۶	کاتبانی،	۳۵
۸۶	پرونده	مرکز بهزیستی (بسته)	گیلان		مقطعی	۱۳۸۷	جعفری سدهی،	۳۶
۲۰۳	کودک خیابانی دختر و پسر	مرکز بهزیستی (بسته)	تهران		مقطعی	۱۳۸۷	فلاح،	۳۷
۷۰	کودک خیابانی شامل ۴۲ پسر و ۲۸ دختر	خانه کودک شوش و خانه کودک ناصر خسرو (باز)	تهران		همبستگی		فاضل زاده دینان، نامشخص	۳۸
۳۰	کودک خیابانی	مرکز مهرپرو (بسته)	قم		مقطعی		غلامی پور، نامشخص	۳۹
۲۰	کودک خیابانی پسر و دختر و ۲۰ کودک کار پسر و دختر	سطح شهر	تهران		علی - مقایسه‌ای		پاوری، نامشخص	۴۰

در چهار مطالعه توصیفی - تحلیلی نیز متغیرهای مهاجرت داخلی و خارجی، بعد خانوار، تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و درآمد خانوار، به عنوان عوامل خطر خیابانی شدن کودکان بررسی شد. دو مطالعه نخست (کاشانی، ۱۳۸۶ و آرزومندی، ۱۳۸۲) از آزمون آماری کای دو، مطالعه احمدی خوئی (۱۳۸۳) از آزمون آماری Z و مطالعه گل‌پذیر سرخه (۱۳۸۴) از محاسبه نسبت بخت^۱ استفاده کرده است. در جدول شماره ۲ فهرست مطالعات تحلیلی وارد و شاخص‌های ارزیابی کیفیت آن‌ها نشان داده شده است.

جدول ۲: فهرست مطالعات تحلیلی و شاخص‌های ارزیابی کیفیت

نام نویسنده و سال انتشار	سؤال مطالعه	تناسب نوع مطالعه با اهداف	ورود صحیح موردها	ورود صحیح شاهدها	هدایت عوامل مخدوش‌گر	سوگیری در اندازه‌گیری	تناسب روش تحلیل با مطالعه	دقت مطالعه
منیره آرزومندی، ۱۳۸۲	سؤال ۴	مورد شاهد	+	+	همسان سازی	چک لیست	آزمون کای دو	P- value
شاپور احمدی خوئی، ۱۳۸۳	سؤال ۴	مورد شاهد	+	+	همسان سازی	چک لیست	آزمون Z	P- value
آرش گل‌پذیر سرخه، ۱۳۸۴	سؤال ۴	مورد شاهد	+	+	همسان سازی	چک لیست	نسبت بخت	P- value و confidence-Interval
شیرین کاشانی، ۱۳۸۶	سؤال ۴	مورد شاهد	+	+	همسان سازی	چک لیست	آزمون کای دو	P- value

1. Odds Ratio

۳-۱) مشخصات کلی کودکان

۳-۱-۱) نیمیخ سنی و جنسی کودکان

از ۴۰ مطالعه (n=۱۴۹۸۶)، در ۱۶ مورد، کلیه کودکان خیابانی شرکت‌کننده در مطالعات پسر بوده‌اند و یافته‌های ۲۰ مطالعه دیگر (n= ۹۹۷۹)، که دختران هم در آن شرکت داشته‌اند، نشان می‌دهد که در این مطالعات ۹۰/۶ درصد کودکان خیابانی را پسران و ۹/۴ درصد آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند. از ۲۸ مطالعه مرتبط، در ۲۱ مطالعه بیش از ۵۰ درصد کودکان (۱۰۰ درصد - ۵۲ درصد) در گروه سنی ۱۲ سال و بالاتر قرار داشته و در هفت مطالعه بیش از ۵۰ درصد کودکان (۸۰ درصد - ۵۰ درصد) خیابانی، زیر ۱۲ سال بوده‌اند.

۳-۱-۲) وضع تحصیلی کودکان

در مجموع، در ۲۳ مطالعه (n=۱۱۰۷۳) ۷۶ تا ۱۰۰ درصد کودکان بی‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی یا راهنمایی بوده‌اند. بنا بر متاآنالیز یافته‌های این مطالعات، ۸۲/۹ درصد کودکان، تحصیلات‌شان زیر دبیرستان یا دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی بوده و بقیه بی‌سواد بوده‌اند.

۳-۲) شرایط اقتصادی کودکان و خانواده

۳-۲-۱) اشتغال کودکان

در ۱۳ مطالعه وضع اشتغال یا عدم اشتغال کودکان خیابانی و یا انواع مشاغل آن‌ها بررسی شده است. در پنج مطالعه که شامل مراکز باز یا بسته و در سطح شهر بوده است، همه کودکان شاغل بوده‌اند. از ۱۲ مطالعه که وضع اشتغال و بیکاری کودکان را بررسی کرده است، بنا بر نتایج حاصل از ۱۰ مطالعه (n= ۵۷۳۲) ۶۲/۶ درصد کودکان در یک مرکز بسته در تهران (فلاح، ۱۳۸۷) تا ۱۰۰ درصد کودکان در ۵ مطالعه در شهرهای تهران، مشهد،

اصفهان و اهواز به کار اشتغال داشته‌اند که نشان‌دهنده همگنی نسبی نتایج مطالعات است. بنا بر متاآنالیز یافته‌های این ۱۰ مطالعه، ۸۰/۱۸ درصد کودکان خیابانی به کار اشتغال دارند. همچنین از میان ۱۲ مطالعه مربوط به اشتغال و بیکاری، شش مطالعه مربوط به مراکز باز و سطح شهر و شش مطالعه دیگر مربوط به مراکز بسته بوده است و میان این دو دسته مطالعات، تفاوت محسوسی در شیوع اشتغال کودکان دیده نمی‌شود.

انواع فعالیت‌های کودکان برای کسب درآمد در مطالعات مختلف، شامل دستفروشی، شاگردی مغازه، پادویی سینما، واکس‌زدن، جمع‌آوری ضایعات، شست‌وشوی اتومبیل، وزن‌کشی، باربری، جارچی‌گری، تکدی، سرقت، مال‌خری، باج‌گیری و تن‌فروشی گزارش شده است. در میان ۹ مطالعه‌ای که در آن‌ها انواع مشاغل کودکان گزارش شده است در پنج مطالعه، دستفروشی دارای بالاترین فراوانی در میان مشاغل کودکان و بیش‌ترین شیوع آن ۶۸/۵ درصد بوده است. بالاترین فراوانی تکدی ۱۸/۶ درصد بوده است. در سه مطالعه به دزدی (۱۷/۴ درصد - ۰/۷ درصد) و در یک مطالعه به تن‌فروشی (۲/۳ درصد) نیز اشاره شده است.

شش مطالعه (n=۹۳۸) دارای داده‌های مربوط به ساعات اشتغال کودکان است. حداقل ساعات اشتغال در این مطالعات دو ساعت در روز مربوط به یک مرکز باز در شهر تهران (آرزومندی، ۱۳۸۲) و حداکثر ۱۵ ساعت و مربوط به کودکان کارتن‌خواب در مشهد (کاشفی، ۱۳۷۹) بوده است. بیش‌ترین فراوانی ساعات اشتغال کودکان مربوط به یک مطالعه در سطح شهر تهران (احسانی کلخوران، ۱۳۷۹) بوده است که ۴۳/۸ درصد کودکان در این مطالعه ۱۰ ساعت در روز به کار اشتغال داشته‌اند. بر اساس نتایج ۵ مطالعه ۵۰ تا ۹۰ درصد کودکان بیش از شش ساعت در روز کار می‌کنند. بنا بر متاآنالیز یافته‌های این پنج مطالعه (n=۷۹۸)، ۶۸/۴ درصد این کودکان بیش از شش ساعت در روز کار می‌کنند.

۲-۲-۳ درآمد کودکان

۱۲ مطالعه (n=۶۱۸۵) نیز وضع درآمد کودکان را بررسی کرده است. پایین‌ترین میزان درآمد

در مطالعات به‌طور ماهانه شش هزار تومان و کم‌تر از آن (مطوریان، ۱۳۸۰) مربوط به کودکان خیابانی محله دروازه‌غار تهران؛ بالاترین درآمد نیز ۱۵۰ هزار تومان در ماه و بالاتر از آن مربوط به سه مطالعه در مورد کودکان خیابانی پنج استان کشور (حسینی، ۱۳۸۴)، کودکان خیابانی شهرستان اراک (سازمان بهزیستی استان مرکزی، ۱۳۸۲) و مطالعه‌ای در یک مرکز باز تهران (منیره آرزومندی، ۱۳۸۲) بوده است. کم‌ترین درآمد در شهر تهران شش هزار تومان در ماه و کم‌تر (بهزیستی استان تهران، ۱۳۸۰) و بالاترین آن ۱۵۰ هزار تومان و بالاتر در ماه (آرزومندی، ۱۳۸۲) گزارش شده است.

شش مطالعه نیز درآمد کودکان در استان‌ها را بررسی کرده است که دو مطالعه شامل شهر تهران می‌شود. در چهار مطالعه‌ای که فقط به بررسی کودکان خیابانی در استان‌ها پرداخته است ($n=745$)، میزان درآمد ماهیانه حداقل ۱۰ هزار تومان (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۷۹) و مربوط به کودکان خیابانی سطح شهر مشهد است و حداکثر ۱۰۵ هزار تومان در ماه (گلپذیر سرخه، ۱۳۸۴) که مربوط مرکز بهزیستی شهر اصفهان بوده است.

بالاترین فراوانی طبقات درآمدی کودکان (۵۰ درصد) در مطالعه‌ای در شهر تهران و معادل ۱۵ تا ۴۵ هزار تومان در ماه بوده است (زرورای، ۱۳۸۴). به دلیل تفاوت در طبقه‌بندی‌ها و سال‌های جمع‌آوری داده‌ها ادغام و جمع‌بندی داده‌ها میسر نشد.

۳-۲-۳) اشتغال والدین

از ۱۸ مطالعه ($n=4622$) صورت‌گرفته درباره اشتغال پدران کودکان خیابانی، انواع وضعیت اشتغال آن‌ها عبارت‌اند از پدران بیکار، کارگر، کارمند، کشاورز، دارای شغل آزاد، مانند رانندگی، مسافرکشی، دستفروشی، جمع‌آوری کارتن و پلاستیک، قالی بافی، کفاشی و همچنین مشاغل خلاف قانون مانند قاچاق مواد و تکدی‌گری. در ۱۷ مطالعه که فراوانی بیکاری در آن‌ها ذکر شده است بین ۵/۹ درصد تا ۸۰ درصد پدران کودکان خیابانی بیکار بوده‌اند. در سه مطالعه، بالاترین فراوانی مربوط به پدران بیکار و بالاترین آن‌ها (۸۰ درصد) (کاظمی، ۱۳۸۲) مربوط به یک مرکز بسته در کرمانشاه بوده است. به جز دو مطالعه کاظمی

(۱۳۸۲) و وارثانیان (۱۳۷۹) با شیوع بالای بیکاری پدران، معادل ۸۰ درصد، و ۷۰/۷ درصد و یک مطالعه با شیوع بیکاری ۶/۶ درصد در ستاد ساماندهی بهزیستی در تهران، در ۱۴ مطالعه دیگر (n=۱۴۲۴) ۱۵ درصد تا ۳۳/۸ درصد پدران بیکار بوده‌اند. براساس متاآنالیز یافته‌های این ۱۴ مطالعه، ۲۳/۳۸ درصد پدران کودکان خیابانی بیکار هستند. بنا بر پنج مطالعه انجام‌شده در استان‌ها غیر از یک مورد در شهر کرمانشاه (کاظمی، ۱۳۸۲) با شیوع بیکاری ۸۰ درصد مواجهیم و در بقیه مطالعات در شهرهای اصفهان، قم، مشهد و استان گیلان، شیوع بیکاری زیر ۲۶ درصد (۲۵/۹ درصد-۱۰/۶ درصد) بوده است.

در شش مطالعه، بالاترین فراوانی مربوط به پدران کارگر و به میزان ۶۳/۲ درصد (بهزیستی استان تهران، ۱۳۸۳) مربوط به ستاد ساماندهی سازمان بهزیستی در تهران بوده است. در سه مطالعه، بالاترین فراوانی مربوط به پدران دارای شغل آزاد و به میزان ۳۸ درصد (سیدکریمی، ۱۳۷۹) در خانه سبز شهر تهران بوده است. در سه مطالعه نیز شماری از پدران به قاچاق و خریدوفروش مواد اشتغال داشته‌اند. در یکی از این مطالعات (هادیان، ۱۳۸۴) بالاترین فراوانی اشتغال پدران به فروش مواد ۴۴ درصد و مربوط به مرکز حورای رودهن و سطح شهر تهران بوده است. در سه مطالعه نیز شماری از پدران متکدی بوده‌اند و بالاترین فراوانی آن به میزان ۱۷/۴ درصد (احمد خانی‌ها، ۱۳۸۱) مربوط به مرکز باز تهران بوده است. در شش مطالعه نیز ۳۳/۳ درصد-۲/۶ درصد پدران کشاورز بوده‌اند. در برخی از مطالعات، کودکان از شغل والدین اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

در ۱۱ مطالعه (n=۴۱۹۰) نیز به وضع اشتغال مادران پرداخته شده است. انواع اشتغال مادران شامل خانه‌دار، کارگر (شامل کار در خانه‌ها)، کارمند، دارای مشاغل آزاد، مانند دستفروشی و فروشندگی در مغازه و مشاغل خلاف قانون، مانند تکدی و خریدوفروش و قاچاق مواد بوده است. در ۱۰ مطالعه (n=۴۰۹۰) بالاترین فراوانی مربوط به مادران خانه‌دار (۸۸ درصد - ۴۷/۷ درصد) بوده است. بنا بر متاآنالیز یافته‌های این ۱۰ مطالعه، ۶۸/۴ درصد مادران کودکان خیابانی خانه‌دار هستند. در ۹ مطالعه (n=۳۰۵۴)، بین ۴ تا ۳۰ درصد مادران کارگر و در ۵ مطالعه از ۰/۴ تا ۷/۷ درصد آن‌ها کارمند بوده‌اند.

در ۲ مطالعه ۸/۲ و ۲ درصد مادران به تکدی مشغول بوده و در ۲ مطالعه دیگر اشتغال ۱۲ و ۲۰ درصد مادران، خرید و فروش و قاچاق مواد گزارش شده است. در این مطالعات گزارشی از روسپیگری در میان مادران گزارش نشده است. مطالعه احمدی خوئی در ارومیه نشان داده که داشتن مشاغل غیر ثابت و درآمد غیرمستمر با خیابانی شدن کودکان ارتباط معناداری دارد. مطالعه گل‌پذیر سرخه در اصفهان نیز نشان داده است که بیکاری سرپرست کودک امکان خیابانی شدن وی را ۴/۴ برابر افزایش داده و این رابطه‌ای معنادار است. به عبارت دیگر، بیکاری سرپرست، عامل خطر خیابانی شدن به‌شمار می‌رود.

۴-۲-۳) درآمد خانواده

۱۵ مطالعه (n=۴۳۵۱) دارای یافته‌های مربوط به درآمد خانوار است. در ۱۱ مطالعه (n=۱۱۴۱) ۶۴ تا ۱۰۰ درصد کودکان از خانواده‌هایی با درآمد ۱۰۰ هزار تومان در ماه و کم‌تر می‌باشند. بنا بر متاتالیز داده‌های این ۱۱ مطالعه، ۸۰/۹ درصد خانواده‌های کودکان خیابانی درآمد زیر ۱۰۰ هزار تومان در ماه دارند. این توضیح لازم است که این مطالعات در دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ انجام شده است. در دو مطالعه غلامی‌پور (نامشخص) در قم و سلگی (۱۳۸۲) در تهران خانواده‌های کودکان درآمد کم‌تر از ۱۰۰ هزار تومان در ماه داشته‌اند. در یک مطالعه مربوط به ستاد ساماندهی کودکان خیابانی تهران (۱۳۸۳، n=۲۹۹۳) خانواده‌های ۸/۸ درصد کودکان درآمد زیر ۱۰۰ هزار تومان و ۸۲/۲ درصد درآمد کم‌تر از ۱۹۰ هزار تومان در ماه داشته‌اند. در مطالعه دیگری در شهر مشهد، ۳۶/۶ درصد خانواده‌های کودکان خیابانی غیر کارتن خواب درآمد کم‌تر از ۱۰۰ هزار تومان داشته‌اند. در مجموع از سه مطالعه انجام شده در شهرستان‌ها چنین برمی‌آید که وضع شهرستان‌ها در این مورد تفاوت معناداری با تهران ندارد.

فقط مطالعه احمدی خوئی به بررسی رابطه میان درآمد خانوار و خیابانی شدن پرداخته و بر اساس نتایج این مطالعه، تفاوت میان دو گروه خیابانی و غیر خیابانی از نظر فراوانی خانواده با درآمد کم‌تر از ۱۰۰ هزار تومان در ماه معنادار است.

۳-۳ عوامل مرتبط با وضع اقتصادی

۳-۳-۱ بعد خانوار

۲۲ مطالعه (n=۹۳۲۳) حاوی اطلاعاتی دربارهٔ بعد خانوار کودکان خیابانی است. بنا بر یافته‌های ۲۰ مطالعه (n=۸۷۳۰)، ۵۰ تا ۹۱/۲ درصد کودکان خیابانی متعلق به خانواده‌های با بعد پنج نفر و بالاتر هستند و در ۱۷ مطالعه ۷۰ تا ۹۱/۲ درصد کودکان از خانواده‌های پنج نفره و بیش‌تر بوده‌اند که نشان‌دهندهٔ همگنی نسبی نتایج مطالعات است. بنا بر متآنالیز یافته‌های ۲۰ مطالعهٔ فوق، ۸۵/۳ درصد کودکان خیابانی دارای خانواده‌های با بعد پنج نفر و بالاتر می‌باشند. در مطالعات مربوط به تهران و شهرستان‌ها در فراوانی کودکان دارای بعد خانوار بیش از پنج نفر، تمایزی دیده نمی‌شود.

چهار مطالعه به ارتباط میان بعد خانوار و خیابانی‌شدن کودکان پرداخته است. براساس مطالعهٔ آرزومندی و کاشانی در تهران، تفاوت دو گروه از حیث فراوانی، خانوارهای دارای بعد خانوار بالاتر معنادار بوده اما در مطالعهٔ احمدی خوئی در ارومیه این تفاوت معنادار نیست.

بر اساس مطالعهٔ گل‌پذیر سرخه در اصفهان نیز احتمال خیابانی‌شدن کودکان در خانوادهٔ با بعد بیش از چهار نفر شش برابر بیشتر از خانوادهٔ با بعد کم‌تر از چهار نفر بوده و این تفاوت در دو گروه معنادار است. به عبارت دیگر، بعد خانوار بالاتر از چهار نفر، عامل خطری برای خیابانی‌شدن کودکان محسوب می‌گردد.

۳-۳-۲ تحصیلات والدین

۲۱ مطالعه (n=۴۶۵۴) داده‌هایی مربوط به تحصیلات پدر دارند. در ۱۰ مطالعه، بالاترین فراوانی مربوط به کودکان دارای پدر بی‌سواد بوده است. در هفت مطالعه بالاترین فراوانی مربوط به تحصیلات ابتدایی بوده و بالاترین شیوع آن ۷۲/۲ درصد (هادیان، ۱۳۸۴) در مرکز حورای رودهن و سطح شهر تهران و کم‌ترین آن ۳۷ درصد (زندى مهر، ۱۳۸۰) در

یک مرکز بسته در تهران بوده است. در ۱۷ مطالعه، پدران دارای تحصیلات دبیرستان هم حضور داشته‌اند اما در غالب مطالعات (۱۲ مطالعه)، فراوانی پدران دبیرستانی کم‌تر از ۱۰ درصد است. از نظر سطح تحصیلات تفاوت زیادی میان پدران در تهران و شهرستان‌ها دیده نمی‌شود. در ۱۷ مطالعه ($n=4282$)، پدران ۸۴ تا ۹۸ درصد کودکان خیابانی بی‌سواد یا دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی بوده‌اند. بنا بر متاآنالیز یافته‌های این مطالعات، پدران ۹۱/۳ درصد کودکان خیابانی بی‌سواد بوده یا تحصیلات کم‌تر از دبیرستان دارند.

بنا بر ۱۹ مطالعه ($n=4556$) که در آن‌ها وضع تحصیلات مادران کودکان خیابانی بررسی شده، در ۱۱ مورد آن بالاترین فراوانی تحصیلات مادران کودکان خیابانی، بی‌سوادی بوده است. در شش مطالعه دیگر، بالاترین فراوانی تحصیلات مادران، تحصیلات ابتدایی و فقط در یک مطالعه، تحصیلات راهنمایی بوده است. در پنج مطالعه به مادران دارای تحصیلات دبیرستان و بالاتر نیز اشاره شده که بالاترین فراوانی آن ۷/۶ درصد (علوی‌نیا، ۱۳۸۴) و مربوط به سطح شهر تهران بوده است. از نظر تحصیلات، تفاوت زیادی میان مادران در تهران و شهرستان‌ها دیده نمی‌شود. در ۱۶ مطالعه، ۸۲/۴ درصد تا ۱۰۰ درصد کودکان خیابانی دارای مادران بی‌سواد یا دارای سواد ابتدایی و راهنمایی بوده‌اند. بنا بر متاآنالیز نتایج این مطالعات، ۸۵/۵ درصد مادران این کودکان بی‌سواد بوده یا سواد کم‌تر از دوره دبیرستان داشتند.

از چهار مطالعه که به بررسی ارتباط میان تحصیلات والدین و خیابانی شدن پرداخته شده، در دو مطالعه آرزومندی و احمدی خوئی، تفاوت میان دو گروه از حیث تحصیلات پدر معنادار نبود. در مطالعه کاشانی، تحصیلات به تفکیک پدر و مادر گزارش نشده و فقط تحصیلات والدین ذکر شده است، اما این تفاوت معنادار بوده با کاهش سطح تحصیلات، خیابانی شدن افزایش می‌یابد. بنا بر مطالعه گل‌پذیر سرخه، امکان خیابانی شدن برای کودکان دارای پدر بی‌سواد دو برابر بیش‌تر از کودکان دارای پدران با تحصیلات ابتدایی و بالاتر بوده و این احتمال با پدر دارای تحصیلات ابتدایی ۲/۸ برابر بالاتر از پدر با تحصیلات بالاتر از ابتدایی و با پدر دارای تحصیلات راهنمایی ۱/۳ برابر بالاتر از پدر دارای

تحصیلات دبیرستانی است و این تفاوت در دو گروه معنادار است. دربارهٔ تحصیلات مادر دو مطالعه (آرزومندی و گل‌پذیر سرخه) انجام شده است. در مطالعهٔ نخست، تفاوت تحصیلات مادر در دو گروه معنادار است. در مطالعهٔ دوم نیز امکان خیابانی شدن کودک دارای مادر بی‌سواد ۲/۵ برابر کودک دارای مادر با تحصیلات ابتدایی و بالاتر بوده و این تفاوت معنادار است. به عبارت دیگر، بی‌سوادی مادر، عامل خطر خیابانی شدن کودک به شمار می‌رود اما در مقاطع تحصیلی ابتدایی و بالاتر این تفاوت معنادار نبوده است.

۳-۳-۳ مهاجرت داخلی و خارجی

در ۱۶ مطالعه ($n=8714$)، داده‌هایی دربارهٔ وضع مهاجرت داخلی کودکان به دست آمده است. شیوع مهاجرت داخلی در کودکان از ۱۵/۱ درصد (جعفری سدهی، ۱۳۸۷) در گیلان تا ۸۳/۳ درصد (یاوری، نامشخص) در تهران گزارش شده است. مهاجرت‌ها شامل مهاجرت از روستا به شهر و شهر به شهر بوده است. مهاجرت کودکان به تنهایی یا با خانواده بوده ولی در مطالعات اندکی بین این دو تفکیک صورت گرفته است. در هشت مطالعه ($n=7675$)، شیوع مهاجرت داخلی بین ۶۳ درصد تا ۸۳/۳ درصد بوده است. در هشت مطالعه ($n=1039$) نیز از ۱۵/۱ تا ۴۱ درصد کودکان مهاجر داخلی بوده‌اند اما تفاوتی از نظر محل دسترسی به کودکان بین این دو گروه مشاهده نمی‌شود. بر اساس مطالعهٔ جانقلی (۱۳۸۳)، که نمونه‌های آن شامل کلیهٔ کودکان خیابانی پذیرش شده در خانهٔ سبز تهران ($N=4133$) در ۱۳۷۹ است، ۸۰ درصد کودکان مهاجر داخلی و بیش‌ترین مهاجرت آنان به ترتیب از استان‌های لرستان، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و همدان به تهران بوده است. با توجه به پراکندگی داده‌ها امکان متاآنالیز آن‌ها فراهم نبود.

۱۶ مطالعه ($n=13127$) نیز دارای داده‌هایی مربوط به شیوع مهاجرت از خارج از کشور به ایران در میان کودکان خیابانی است. کم‌ترین شیوع مهاجرت خارجی چهار درصد (جانقلی، ۱۳۸۳ و نصرت نظامی، ۱۳۸۰) در مرکز بسته (خانهٔ سبز تهران) و بیش‌ترین آن

۷۷ درصد (Vahdani, 2006) در یک مرکز باز تهران بوده است. ملیت کودکان غالباً افغانی بوده اما کودکان عراقی و پاکستانی هم در میان آنها گزارش شده است. مطالعاتی که در آنها گزارشی درباره مهاجرت نبوده غالباً مربوط به مراکز بسته در شهر تهران، مانند مراکز کودکان خیابانی سازمان بهزیستی و خانه سبز است که به طور معمول در آنها کودکان مهاجر پذیرش نمی‌شود. در مطالعه معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی در ۱۶ استان کشور (معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی، ۱۳۷۹، n=۳۲۸۰) فراوانی مهاجران در نمونه‌ها ۳۳ درصد گزارش شده است. در چهار مطالعه (n=۶۷۴)، شیوع ۵۳/۵ تا ۷۷ درصد مهاجرت خارجی بین کودکان خیابانی گزارش شده است و در ۱۲ مطالعه دیگر (n=۱۲۴۵۳) از چهار تا ۳۶/۵ درصد کودکان خیابانی، مهاجر خارجی بوده‌اند. تفاوت بارزی میان این چهار مطالعه و ۱۲ مطالعه دیگر از نظر مکان و شهر دسترسی به کودکان دیده نمی‌شود. بنا بر متاآنالیز یا میانگین وزنی داده‌های این ۱۲ مطالعه، ۱۸ درصد کودکان خیابانی مهاجر خارجی هستند. در صورت حذف دو مطالعه خانه سبز (جانقلی، ۱۳۸۳ و نصرت نظامی، ۱۳۸۰) با شیوع چهار درصد مهاجر خارجی با توجه به محدودیت پذیرش اتباع بیگانه توسط این مرکز، رقم یادشده افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر بر اساس متاآنالیز نتایج ۱۰ مطالعه (n=۸۲۷۰)، که در آنها شیوع مهاجرت خارجی از ۱۲/۵ تا ۳۳ درصد برآورد شده، ۲۵ درصد کودکان خیابانی مهاجر خارجی هستند.

چهار مطالعه به بررسی ارتباط مهاجرت با خیابانی شدن کودکان پرداخته است. سه مطالعه آرزومندی (۱۳۸۲)، احمدی خوئی (۱۳۸۳) و کاشانی (۱۳۸۶) در تهران، ارتباط مهاجرت را با خیابانی شدن، صرف‌نظر از نوع مهاجرت (داخلی و خارجی) ارزیابی کرده‌اند و در هر سه مطالعه، ارتباط مهاجرت و خیابانی شدن معنادار بوده است. فقط مطالعه گل‌پذیر سرخه (۱۳۸۴) در اصفهان، ارتباط مهاجرت داخلی و خارجی را به تفکیک ذکر کرده است. بر اساس نتایج این مطالعه، هرچند غیر بومی بودن احتمال خیابانی شدن را ۱/۵ برابر افزایش می‌دهد، تفاوت میان دو گروه مورد و شاهد، معنادار نیست. اما این مطالعه نشان داده است که مهاجر خارجی بودن، خطر خیابانی شدن را ۴/۷ برابر افزایش داده و

عامل خطر بالقوه برای خیابانی شدن به شمار می‌آید. به منظور انجام دادن متآنالیز داده‌های این چهار مطالعه، هرچند محاسبه نسبت بخت میسر بود به دلیل عدم دسترسی به داده‌های خام، امکان محاسبه فاصله اطمینان فراهم نبود.

۳-۴ کار کودک و خانواده

۳-۴-۱ ارتباط کودکان با خانواده و وضع سرپرستی

در ۱۴ مطالعه (n=۵۹۱۰) درباره ارتباط کودک با خانواده، اطلاعاتی جمع‌آوری شده است. کم‌ترین فراوانی آن ۵۷/۵ درصد (احسانی کلخوران، ۱۳۸۳) در مناطق حاشیه‌ای شهر تهران بوده که با سایر مطالعات به طور نسبی فاصله زیادی دارد. از سوی دیگر در دو مطالعه مراکز باز تهران، ۱۰۰ درصد کودکان با خانواده در ارتباط بوده‌اند (خانی‌ها، ۱۳۸۱ و مقصودی، ۱۳۸۲). در تهران، ۱۰ مطالعه انجام شده (n=۱۱۹۷) که بر اساس متآنالیز یافته‌های آن‌ها ۸۴/۵ درصد کودکان با خانواده در ارتباط بوده‌اند. در دو مطالعه که نمونه‌ها از تهران و چند شهرستان گرفته شده‌اند (n=۴۴۸۹) ۸۴/۶ درصد با خانواده ارتباط داشته‌اند. یکی از این مطالعات (بهزیستی، ۱۳۷۹) مربوط به مراکز بهزیستی کل کشور بوده (n=۳۹۸۳) که در آن ۸۳/۹ درصد کودکان با خانواده در ارتباط بوده‌اند. با صرف نظر از سه مطالعه (احسانی کلخوران، ۱۳۸۳، اداره کل زندان‌های استان خوزستان، ۱۳۷۸ و مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، n=۴۱۲)، که در آن‌ها کم‌تر از ۷۰ درصد کودکان با خانواده در ارتباط بوده‌اند (میانگین وزنی ۶۳/۱ درصد)، متآنالیز (میانگین وزنی) یافته‌های بقیه مطالعات اعم از تهران یا شهرستان‌ها (n=۵۶۰۶) نشان می‌دهد که ۸۵ درصد کودکان خیابانی با خانواده ارتباط داشته‌اند. در مجموع بر اساس متآنالیز یافته‌های کل مطالعات می‌توان گفت که بیش از ۸۰ درصد کودکان خیابانی کشور با خانواده در ارتباط هستند.

هشت مطالعه (n=۷۶۹۶) نیز به وضعیت سرپرستی کودکان را بررسی کرده است. براساس یافته‌های این مطالعات، ۱/۲ درصد کودکان (بهزیستی استان تهران، ۱۳۸۳) در ستاد ساماندهی سازمان بهزیستی و ۱۱ درصد (فلاح، ۱۳۸۷) در مرکز حورای رودهن و

سطح شهر تهران بدون سرپرست بوده‌اند. براساس متاآنالیز یافته‌های هفت مطالعه (n=۷۶۲۷)، ۳/۶ درصد کودکان خیابانی فاقد سرپرست هستند. در سه مطالعه به فوت یک یا هر دو والدین (۱۲/۸ تا ۲۶/۷ درصد) اشاره شده است. یک مطالعه مربوط به شهر اصفهان بوده (گل‌پذیر سرخه، ۱۳۸۴) و براساس نتایج آن، ۲/۷ درصد کودکان بی‌سرپرست بوده‌اند. در هفت مطالعه (n=۹۵۵) نیز فوت والدین به تفکیک پدر و مادر ذکر شده است. در این مطالعات، بین ۸ تا ۶۱/۵ درصد کودکان پدر، و ۳/۴ تا ۲۶ درصد کودکان مادر نداشته‌اند.

۲-۴-۳) نظر خانواده درباره کار کودک

در پنج مطالعه نظر خانواده درباره ورود کودک به خیابان و اشتغال به کار بررسی شده است. در سه مطالعه، بین ۶/۲ تا ۳۴ درصد کودکان اظهار داشته‌اند که با اجبار خانواده به کار مشغول شده و در مطالعه دیگر، ۷۷/۹ درصد کودکان گفته‌اند که خانواده با کارکردن آن‌ها موافق‌اند.

۴) بحث و نتیجه‌گیری

در جست‌وجوی انجام‌شده در شهر تهران برای مطالعات کودکان خیابانی در دوره زمانی ۱۰ ساله (۱۳۸۵-۱۳۷۵)، که همواره مسأله کودکان خیابانی یکی از مشکلات اجتماعی مطرح کشور بوده است، به ۴۸ سند پژوهشی دست یافتیم که به بررسی وضع کودکان خیابانی پرداخته است. هرچند شمار دقیق مطالعات دیگر حوزه‌های مشکلات اجتماعی مشخص نبوده و امکان مقایسه آن‌ها فراهم نیست، همین تعداد از برداشت اولیه گروه تحقیق درباره شمار مطالعات موجود، اندکی بالاتر بود. مهم‌ترین ضعف‌های این مطالعات ضعف در روش نمونه‌گیری است که شامل نداشتن چارچوب نمونه‌گیری و ابزار مطالعه به ویژه نامشخص بودن، نقص و غیر رو بودن تعاریف عملیاتی می‌شود. بخش تحلیلی شماری از مطالعات نیز دارای مشکلات روش‌شناختی، به ویژه عدم تناسب روش تحلیل با

طراحی مطالعه و روان‌بودن تعاریف بود به گونه‌ای که بخش تحلیلی ۱۰ مطالعه به دلیل مشکلات روش‌شناختی حذف شدند و فقط از داده‌های تحلیلی چهار مطالعه استفاده شد. از آنجا که اغلب مطالعات پایان‌نامه و گزارش طرح‌های تحقیقی، سازمانی بوده‌اند، با توجه به کیفیت نسبتاً پایین آن‌ها، ضروری است مراکز دانشگاهی و سازمان‌های مرتبط با کودکان خیابانی توجه بیشتری به بهبود کیفیت مطالعات داشته باشند.

بنا بر جمع‌بندی یافته‌های ۱۰ مطالعه، اغلب کودکان خیابانی (۸۰/۱۸ درصد) و به مشاغل ساده‌ای اشتغال دارند که نیاز به مهارت‌های حرفه‌ای ندارند، مانند دستفروشی، پادویی و امثال آن. این یافته به خوبی نشان‌دهنده آن است که اغلب کودکان خیابانی ایران - براساس نتایج مطالعات - در خیابان‌ها به کار مشغول‌اند و کسب درآمد می‌کنند. از سویی بنا بر یافته‌های مطالعه، بیش از ۸۰ درصد کودکان خیابانی کشور با خانواده در ارتباط هستند. همچنین بنا بر یافته‌های هفت مطالعه با حجم نمونه ۷۶۲۷ نفر، فقط ۳/۶ درصد کودکان خیابانی فاقد سرپرست هستند. به عبارت دیگر، به رغم برخی دیدگاه‌ها در خصوص بی‌سرپرستی و رها بودن اکثر کودکان خیابانی، تنها گروه کوچکی از کودکان خیابانی بی‌سرپرست بوده یا ارتباط خود را با خانواده قطع کرده‌اند، در حالی که اکثر کودکان خیابانی ایران با خانواده‌های خود در ارتباط‌اند و به منظور کسب درآمد و کمک به ادامه بقا خود و خانواده به کار مشغول هستند. از دیگر یافته‌های حاصل از مرور مطالعات به ویژه بسیاری از یافته‌های مربوط به مشخصات جمعیت‌شناختی و اقتصادی خانواده‌ها چنین برمی‌آید که اوضاع اقتصادی و فقر خانواده‌ها نقش مؤثری در ورود کودکان به بازار کار و مشارکت در کسب درآمد دارد.

براساس نتایج مطالعات، بیشتر کودکان خیابانی به خانواده‌های پرجمعیت تعلق دارند. در حالی که براساس نتایج سرشماری ۱۳۸۸، متوسط بعد خانوار در کل کشور ۴/۰۳ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) بنا بر یافته‌های این مطالعه، ۸۵ درصد کودکان خیابانی از خانواده‌هایی با بعد بیش از پنج نفر برخاسته‌اند. همچنین از یافته‌ها چنین برمی‌آید که اکثر کودکان خیابانی در خانواده‌هایی با درآمد پایین زندگی می‌کنند. به‌طوری که براساس نتایج،

۸۰/۹ درصد خانواده‌های کودکان خیابانی درآمدی کمتر از ۱۰۰ هزار تومان در ماه دارند. با در نظر گرفتن خط فقر شهری معادل ۶۱۴۹۹۵ ریال برای هر نفر در ۱۳۷۹ (خداداد کاشی و دیگران، ۱۳۸۴) و بعد خانوارهای کودکان خیابانی، از این یافته چنین برمی‌آید که خانواده‌های اکثر کودکان خیابانی در دوره مطالعه زیر خط فقر قرار داشته‌اند. بنا بر یک مطالعه تحلیلی، ارتباط معناداری بین درآمد خانواده با خیابانی شدن کودکان دیده می‌شود. با توجه به این که داده‌ها متعلق به یک دوره زمانی ۵ ساله (۸۳-۷۹) است، می‌توان در نظر گرفت که تغییر چشمگیری در ارزش پولی درآمد خانواده ایجاد نشده باشد. خانواده‌های پرجمعیت در مقایسه با خانواده‌های کوچک‌تر، کم‌تر قادر به تأمین هزینه‌های خانواده، از جمله مخارج تحصیل کودکان، هستند. در این وضع و حال، به منظور صرفه‌جویی در مخارج خانواده کودکان از رفتن به مدرسه باز می‌مانند و خود با ورود به بازار کار، نقش کمکی در کسب درآمد بیشتر برای خانواده ایفا می‌کنند. اگرچه زیاد بودن شمار کودکان افزایش هزینه‌های خانواده را در پی دارد، امکان فراهم آوردن درآمدهای کم اما متعدد را توسط کودکان برای خانواده فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، فقر خانواده کودکان را به بازار کار سوق داده و آن‌ها را به مشارکت در کسب درآمد وامی‌دارد. بر اساس نتایج، ۲۳/۳۸ درصد پدران کودکان خیابانی بیکار بوده و ۶۸/۴ درصد مادران آن‌ها خانه‌دار هستند و مشارکتی در کسب درآمد خانواده ندارند. از مقایسه رقم بیکاری پدران با بالاترین نرخ رسمی بیکاری (۱۴/۳ درصد) در یک دهه اخیر (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۸۸) چنان برمی‌آید که این رقم بسیار بالاتر از آهنگ کشوری بوده است. از دو مطالعه تحلیلی نیز ارتباط معناداری بین نداشتن درآمد مستمر پدر و بیکاری با خیابانی شدن کودک دیده می‌شود. براساس یافته‌های مطالعات، پدران شاغل نیز عمدتاً به مشاغلی مانند کارگری و مشاغل آزاد کم‌درآمد مانند دستفروشی و جمع‌آوری ضایعات، باربری و... اشتغال دارند. مشاغلی چون تکدی و خریدوفروش مواد مخدر نیز گزارش شده است و این احتمال هست که شماری از کودکان از بیان مشاغل غیرقانونی پدران‌شان خودداری کرده یا پرسش‌گر در مورد این مشاغل جست‌وجو نکرده است. این یافته مجدداً بر وضع اقتصادی

وخیم خانواده‌های کودکان خیابانی تأکید می‌کند و احتمال ورود کودکان به خیابان برای کسب درآمد، به سبب اوضاع نابسامان اقتصادی خانواده، را تأیید می‌کند.

دیگر یافته مطالعه درباره وضع سطوح تحصیلات والدین با دیگر یافته‌های مطالعه همپوشان است. به گونه‌ای که پدران ۹۱/۳ درصد کودکان خیابانی، و مادران ۸۵/۵ درصد کودکان بی‌سواد بوده یا دارای تحصیلات کم‌تر از دبیرستان می‌باشند. در حالی که آهنگ باسوادی در کشور ۸۴/۶۱ درصد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) است، در ۱۰ مطالعه، بالاترین فراوانی وضع تحصیلی پدران، مربوط به کودکان دارای پدر بی‌سواد و بین ۳۴ تا ۷۰ درصد بوده است. در دو مطالعه تحلیلی نیز ارتباط معناداری بین تحصیلات والدین و خیابانی شدن دیده می‌شود و تحصیلات پایین پدر و مادر عامل مهمی در خیابانی شدن شناخته شده است. سطح پایین سواد در خانواده‌ها نیز با احتمال کسب درآمد کم‌تر، فرزندان بیشتر و توجه کم‌تر به ضرورت تحصیل کودکان همراه بوده و مجموعه این عوامل موجب به‌کارگیری کودکان به عنوان منبع کسب درآمد برای خانواده‌ها می‌شود.

شیوع مهاجرت داخلی در کودکان خیابانی از ۱۵/۱ درصد در گیلان تا ۸۳/۳ درصد در تهران گزارش شده و بر اساس نتایج ۱۰ مطالعه، شیوع مهاجرت خارجی از ۱۲/۵ تا ۳۳ درصد برآورد شده است. براساس یافته‌های سه مطالعه تحلیلی نیز که به بررسی رابطه مهاجرت - صرف نظر از نوع آن - با خیابانی شدن پرداخته‌اند این رابطه معنادار بوده است. با توجه به محدودیت‌های جدی کودکان مهاجر در دسترسی به امکانات آموزشی، و وضع اقتصادی مهاجران، که اکثر آن‌ها را افغانی‌ها تشکیل می‌دهند، ورود این کودکان به خیابان به دلیل بازماندن از تحصیل و نیاز خانواده به کمک کودکان در تامین معاش دور از انتظار نیست.

با اندک مطالعاتی که به کار کودکان از دیدگاه خانواده پرداخته شده چنین نتیجه گرفته می‌شود که ۳۴ درصد کودکان با فشار خانواده به کار مشغول شده‌اند و از یک مطالعه نیز چنین برمی‌آید که نزدیک به ۷۸ درصد خانواده‌های کودکان با کار آن‌ها موافقاند. هرچند این یافته بر ضرورت مطالعات تکمیلی در خصوص گرایش و دیدگاه خانواده درباره کار

کودکان اشاره دارد، بر آن است که شماری از کودکان با موافقت خانواده وارد بازار کار در خیابان‌ها می‌شوند.

از مجموعه یافته‌های فوق چنین برمی‌آید که اشتغال کودکان خیابانی به کار به عواملی از جمله، بعد بالای خانوار، شیوع بالای بیکاری و مشاغل کم‌درآمد پدران، درآمد پایین خانواده، سطح پایین سواد والدین و... بازمی‌گردد و در این میان، ارتباط معناداری بین وضع اقتصادی و فقر خانواده با ورود کودکان به خیابان دیده می‌شود. با این همه، به منظور کسب آگاهی بیشتر در این زمینه انجام مطالعات تحلیلی تکمیلی با طراحی مناسب با تکیه بر نقش عوامل اقتصادی در خیابانی‌شدن کودکان توصیه می‌گردد.

در نتیجه‌گیری کلی از یافته‌های مطالعات می‌توان گفت که متغیرهای مرتبط با عوامل اقتصادی، فراوانی بالایی داشته، به نظر می‌رسد در کشور ما عامل خطر مهمی برای ورود کودکان به خیابان است. از آنجا که هدف اصلی بررسی‌های نظام‌دار، جمع‌آوری و ادغام شواهد موجود به منظور استفاده دستگاه‌های اجرایی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است (Yousefi-Nooraie, et al., 2009) یافته‌های این مطالعه بیانگر ضرورت استفاده از سیاست‌های حمایت و رفاه اجتماعی در مبارزه با پدیده کودکان خیابانی است و بهتر است که مورد توجه دست‌اندرکاران مسأله کودکان خیابانی در کشور قرار گیرد.

- آتشی گلستانی، هادی. (۱۳۸۲)، **بررسی سیاست‌های اجتماعی در زمینه کودکان خیابانی شهر مشهد**. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- آرومندی، نیره. (۱۳۸۲)، **بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های خانوادگی - اجتماعی کودکان خیابانی و غیر خیابان**. پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ابراهیمی، پروانه. (۱۳۸۲)، **بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کودکان خیابانی (استان تهران، سرای احسان)**، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی.
- احسانی کلخوران، صمد. (۱۳۸۳)، **تأثیر حاشیه‌نشینی بر پیدایش کودکان خیابانی در شهر تهران (با تأکید بر مناطق ۱۸ و ۱۹)**، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی.
- احمدخانیها، حمیدرضا. (۱۳۸۱)، «همه‌گیرشناسی افسردگی و سوءاستفاده جنسی در کودکان خیابانی». **مجله اندیشه و رفتار**، سال هشتم، شماره ۱.
- احمدی خوئی، شاپور. (۱۳۸۳)، **بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شکل‌گیری کودکان خیابانی در شهر ارومیه**، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان خوزستان. (۱۳۷۸)، **کودکان خیابانی مطروودین اجتماع**.
- بهزیستی استان تهران. (۱۳۸۰)، **مرکز کودکان خیابانی مجتمع بهزیستی ولیعصر، مرکز کودکان خیابانی ولیعصر سازمان بهزیستی منطقه شرق تهران**.
- بهزیستی استان تهران. (۱۳۸۳)، **بررسی عوامل پیدایش پدیده کودکان خیابانی (گزارش عملکرد ستاد ساماندهی کودکان خیابانی از نگاه آمار)**، ستاد ساماندهی کودکان خیابانی یاسر، بهزیستی استان تهران.
- پایگاه اطلاع رسانی دولت. (۱۳۸۸)، «نرخ بیکاری ۱۴ درصدی دولت اصلاحات در دولت نهم تک رقمی شد»، available at: <http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/?id=177209>
- جانقلی، مصطفی. (۱۳۸۳)، **بررسی وضعیت کودکان خیابانی: مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد ۱۳۸۱**، جلد پنجم، روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی، مؤسسه انتشارات آگاه.

- جعفری، فاطمه. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر بر خیابانی شدن کودکان. پایان نامه مقطع نامشخص، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جعفری سدهی، رضا و عدالتخواه، مهیار. (۱۳۸۷). بررسی ویژگی های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی کودکان خیابانی استان گیلان، معاونت امور اجتماعی بهزیستی استان گیلان.
- حسینی، حسن. (۱۳۸۴). «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- حسینی، حسن. (۱۳۸۵). مجموعه تحلیل های آسیب های اجتماعی در ایران: کودکان کار و خیابان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، انتشارات سلمان.
- خداد کاشی، فرهاد؛ حیدری، خلیل؛ باقری، فریده. (۱۳۸۴). «برآورد خط فقر در ایران طی سال های ۱۳۶۳-۱۳۷۹، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- رجب نژاد، مریم؛ شیروانی، آرمین؛ خزانه داری، شهاب. (۱۳۸۵). مرور نظام مند شواهد، مرکز تعالی دانشگاه، دفتر تعالی خدمات بالینی، دانشگاه شهید بهشتی.
- زرواری، هادی. (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پیدایش کودکان خیابانی شهر تهران، پایان نامه مقطع کارشناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- زندی مهر، علی. (۱۳۸۰). بررسی آسیب شناسی کودکان و نوجوانان خیابانی در تهران، پایان نامه مقطع کارشناسی، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی.
- سازمان بهزیستی، دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی. (۱۳۸۲). خلاصه گزارش عملکرد مراکز کودکان خیابانی (شش ماهه اول سال ۱۳۸۲)، تهران، منتشر نشده.
- سازمان بهزیستی، ستاد پذیرش و ساماندهی کودکان خیابانی. (۱۳۸۳). گزارش عملکرد ستاد ساماندهی کودکان خیابانی از نگاه آمار، تهران، منتشر نشده.
- سلکی، عباس. (۱۳۸۲). بررسی عوامل اجتماعی حمایت کننده از کودکان خیابانی در منطقه ۱۰ تهران. پایان نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سلمانی باروق، نسرین. (۱۳۸۲). «خودپنداری و عوامل مؤثر بر آن در کودکان خیابانی سنین ۱۲ - ۶ سال»، مجله حیات، شماره ۱۷.
- سیدکریمی، منیژه. (۱۳۷۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده اجتماعی کودکان خیابانی، پایان نامه مقطع کارشناسی، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم

- اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی.
- شادی طلب، ژاله و حجتی کرمانی، فرشته. (۱۳۸۷). «فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، بهار ۱۳۸۷.
- شریفی، الهام. (۱۳۸۳)، بررسی، تحلیل و مقایسه ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی کودکان خیابانی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- صادقی، حسین و مسائلی، ارشک. (۱۳۸۴)، «رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد با روند فقر در ایران با استفاده از رویکرد فازی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، بهار ۱۳۸۷.
- صالح، علیرضا. (۱۳۷۹)، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شناختی، رفتاری و اجتماعی کودکان خیابانی و شبانه‌روزی شهر تهران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- صندوق کودکان سازمان ملل در ایران (۱۳۷۷). تحلیلی از موقعیت کودکان خیابانی تهران، دفتر یونیسف در ایران، تهران.
- علوی‌نیا، اشرف‌السادات. (۱۳۸۴)، مطالعه و بررسی علل اجتماعی مؤثر بر اشتغال کودکان خیابانی ۵ تا ۱۶ ساله منطقه ۸ شهر تهران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- غلامی‌پور، فاطمه. (بی‌تا)، شناخت عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش پدیده کودکان خیابانی در شهر قم، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی فاطمیة قم.
- فاضلزاده دینان، کوثر. (بی‌تا)، بررسی عوامل مؤثر بر خیابانی‌شدن کودکان و نوجوانان در تهران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- فلاح، فاطمه. (۱۳۸۷)، «بررسی شیوع هپاتیت B و C در کودکان خیابانی شهر تهران از فروردین تا شهریور ۱۳۸۶»، مجله پژوهش در پزشکی، تابستان ۱۳۸۷، دوره ۳۲، شماره ۲.
- فیضی، عبدالجلیل. (۱۳۸۲)، مقایسه خود پنداری و عزت نفس کودکان عادی با کودکان خیابانی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- قاسم‌زاده، فاطمه. (۱۳۸۲)، «کودکان خیابانی در تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۷.

- کاشانی، شیرین. (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر خیابانی شدن کودکان. پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن. (۱۳۷۹)، وضعیت کودکان خیابانی مشهد. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- کاظمی، سعید. (۱۳۸۲)، فرار کودکان خیابانی پسر در سنین ۷ تا ۱۸ ساله شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۸۲، دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی استان کرمانشاه.
- کامرانی فکور، شهربانو. (۱۳۸۵)، «شیوع خشونت‌های خانوادگی تجربه‌شده در کودکان فراری و غیر فراری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- گلپذیرسرخه، آرش. (۱۳۸۴)، بررسی پدیده کودکان خیابانی پسر منطقه زینبیه اصفهان و برخی عوامل مؤثر در آن (شهریور ۸۱ تا ۸۳)، پایان‌نامه مقطع MPH، دانشکده بهداشت دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی. (۱۳۷۹)، بررسی خصوصیات زیستی، روانی و اجتماعی کودکان خیابانی در ایران، سازمان بهزیستی کل کشور.
- معاونت امور اجتماعی بهزیستی استان مرکزی. (۱۳۸۲)، بررسی وضعیت کودکان خیابانی و کودکان کار در سال ۱۳۸۲، مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی استان مرکزی.
- معاونت امور اجتماعی بهزیستی استان هرمزگان (۱۳۸۲). بررسی وضعیت فردی، خانوادگی و اقتصادی کودکان خیابانی شهر بندر عباس در سال ۱۳۸۱، بهزیستی استان هرمزگان.
- مقصودی، مفید. (۱۳۸۲)، مقایسه عزت نفس و اختلالات رفتاری کودکان عادی و خیابانی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.
- مهدیزاده، هاشم. (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر در بروز و شیوع پدیده کودکان خیابانی در شهرستان مشهد، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- نصرت‌نظامی، پونه. (۱۳۸۰)، بررسی وضعیت اقتصادی اجتماعی بچه‌های خیابانی مستقر در خانه سبز، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشگاه آزاد واحد رودهن.

- وارتانیان، آنی (۱۳۷۹). بررسی وضعیت کودکان و نوجوانانی که از خانه فرار کرده‌اند، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- هادیان، مریم. (۱۳۸۴)، بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کودکان کار و خیابانی مجتمع حورا و کودکان خیابانی منطقه ۱۳ تهران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- یآوری، سوزان. (بی‌تا)، مقایسه میزان سلامت عمومی کودکان کار شاغل در خیابان‌ها و کارگاه‌های شهر تهران، پایان‌نامه مقطع کارشناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی.
- Aptekar, L. (1994). "Street Children in the Developing World: A Review of Their Condition". *Cross-Cultural Research*, Vol. 28, No. 3, 195-224.
- Clark, M. (1982). Support networks and Survival Strategies of the Urban poor: A review of the Kenyan Literature. *Urban and Regional Report 82-89*. NewYork – The World Bank.
- Khan, S; Kunz, R.; Kleignen, J. & Antes, G. (2003). Systematic Reviews to support Evidence Based Medicine: how to review and apply findings of healthcare research. Royal Society of Medicine Press Ltd.
- Lemba, M. (2002). Rapid Assessment of Street Children in Lusaka. Fountain of Hope, FLAME, Jesus Cares Ministries, Lazarus Project, MAPODE (Movement of Community Action for the Prevention and Protection of Young People Against Poverty, Destitution, Disease and Exploitation), Zambia Red Cross Drop-In Centre, St. Lawrence Home of Hope, Mthunzi Center.
- Lusk, M. (1992). Street children of Rio de Janeiro. *International Social Work*, 35, 293-305.
- Patel, S. (1983). An Overview of Street children in India. NewYork: Conrenant House.
- Patel, S. (1990). "Street children hotel boys and children of Pavement dwellers and construction workers in Bombay: How they meet their daily needs".

- Environment and Urbanization 2 9-26.
- Subrahmanyam, Y., & Sondhi, R. (1990). "Child porters: Psychosocial profile of street children". *International Journal of Social Work*, 51, 577582.
 - The University of Sheffield, (2009). Systematic reviews: what are they and why are they useful? Available at: <<http://ssrc.tums.ac.ir/systematicreview/Useful-Links.asp> (2009)>.
 - UNICEF, (1990). Children and development in the 1990s: A ATICEF sourcebook. Proceedings of the World Summit for Children. New York: United Nations Children's Fund.
 - Vahdanai, P.(2006). "Prevalence of Hepatitis B, Hepatitis C, Human Immunodeficiency Virus, and Syphilis Among Street Children Residing in Southern Tehran", Iran .*Archives of Iranian Medicine*, vol.9, N. 2.
 - World Food Programme, United Nations Children's Fund, and United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention, (2001). Rapid Situation Assessment Report on The situation of street children in Cairo and Alexandria, including the children's drug abuse and health/nutritional status.
 - Yousefi Nooraie R, Rashidian A, Nedjat S et al (2009). "Promoting development and use of systematic reviews in a developing country". *Journal of Evaluation in Clinical Practice*, vol 16, N 6, 1029-1034.